

راديو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره ۱۴۷)

۱۵/۰۲/۱۳۹۶ الی ۰۸/۰۲/۱۳۹۶

آن چه در یکصد و چهل و هفتمین شماره از مجله هفتگی راديو ديروز می‌خوانید، بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های راديو فردا در دومین هفته از اردیبهشت ۱۳۹۶ است.

راديو ديروز گزارش می‌دهد؛

دومین هفته از اردیبهشت ۱۳۹۶ با حوادث و اخبار مختلف سپری شد و ابزارهای رسانه ای غربی که در دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران به کمبود بهانه ای آشکار دچار شده‌اند، تمام توان خود را به کار گرفتند تا از اندک فرصت‌های پیش آمده نهایت بهره برداری را در جهت اهداف اربابانشان داشته باشند.

در همین راستا، راديو ديروز با تنظیم و انتشار مجله ای هفتگی که تحت عنوان "راديو فردا در هفته ای که گذشت!" برای مخاطبین خود ارائه می‌کند، تلاش کرده است تا با بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در بازه‌های زمانی هفت روزه، واقعیت‌های خیری و رویدادهای پیش آمده در این ایام را به مخاطبین خود منتقل نماید.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و چهل و هفتمین شماره از این مجله هفتگی راديو ديروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های راديو فردا در طول دومین هفته از اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶ (۰۸ الی ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و چهل و هفتمین شماره مجله هفتگی راديو ديروز، بررسی موضوعاتی مختلف از قبیل تلاش راديو فردا برای بحرانی نشان دادن وضعیت خانواده در ایران، تخریب وضعیت اقتصادی کشور با طرح یک شایعه، پافشاری راديو فردا در دفاع از یک مجرم امنیتی و فتنه گر، دفاع این رسانه آمریکایی از مدیر منافق شبکه جم، دلسوزی‌های بچگانه برای کودکان مظلوم موصل، اثبات بحران کمبود بهانه در راديو فردا و... را مورد مشاهده نمایید.

از نابودی خانواده در آمریکا تا نگرانی برای طلاق در ایران!

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و به عبارتی ریشه‌های حیات جامعه است. دنیای غرب با نهاد خانواده سال‌هاست غریبه بود و همین غریبگی هم باعث بروز مشکلات مختلف اجتماعی و اخلاقی در جوامع غربی است که خوشبختانه علیرغم تلاش‌های بی اندازه آن‌ها و ابزارهای رسانه ای مختلفشان برای نفوذ فرهنگ نابودشده غربی به کشورمان، همچنان اصالت خانواده تا حد زیادی در ایران حفظ شده است.

رسانه صهیونیستی – آمریکایی راديو فردا با همه این وجود، در این هفته خود را نگران وضعیت اجتماعی و نهاد خانواده در ایران نشان داده و به بررسی شرایط ازدواج و طلاق در ایران پرداخته است.

راديو فردا در گزارش خود از تشدید مشکلات برای ازدواج و افزایش طلاق در کشورمان خبر داده و این گونه می‌نویسد: «رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق ایران می‌گوید جوانان کشور برای ازدواج با مشکلات اقتصادی بسیاری مواجه شده‌اند و برای نجات آن‌ها که در حال "غرق شدن در باتلاق" هستند، همه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی باید وارد میدان شوند. به گزارش روز شنبه

(۲۶ فروردین) وبسایت "تهران‌نیوز"، حبیب‌الله حسنی، علاوه بر مشکلات اقتصادی و اشتغال، مواردی چون شتاب‌زدگی در ازدواج، اعتیاد و دخالت خانواده‌ها را نیز موجب افزایش آمار طلاق در ایران اعلام کرده است. وی افزوده که قوه قضائیه در موضوع کاهش آمار طلاق در ایران، "زیاد نمی‌تواند مؤثر باشد، زیرا ریشه مشکلات در جای دیگری است." آقای حسنی از وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک‌ها و تصمیم‌گیرندگان عرصه اقتصادی و تأمین اجتماعی خواسته "برای نجات جوانان کشور که در حال غرق شدن در باتلاق هستند... وارد میدان شوند". بر اساس آمار، میزان طلاق در طول یک دهه گذشته در ایران افزایش قابل ملاحظه‌ای نسبت به آمار ازدواج داشته است. شماری از کارشناسان، عامل اقتصادی را مهم‌ترین عامل کاهش ازدواج و افزایش آمار طلاق در کشور معرفی می‌کنند و برخی دیگر نیز تغییر سبک زندگی را عامل مهمی در بروز این پدیده‌ها می‌دانند.

اما در این جا چند مسئله پیش می‌آید که رادیو فردا باید به آن پاسخ دهد؛ اول این که اگر این قدر به دنبال تحکیم خانواده در ایران است و نگران افزایش طلاق و کاهش ازدواج در کشورمان است، چرا دلایلش را واقع بینانه مورد بررسی قرار نمی‌دهد؟!

آیا نفوذ فرهنگ مبتذل غربی، فعالیت‌های هزاران شبکه ماهواره ای در این راستا و ... در این آمار بی اثر بوده است؟!

چطور خود رادیو فردا هم همراه با این شبکه‌های گسترده همواره تلاش می‌کند تا فرهنگ آشفته غربی را به جامعه ایرانی القا کند؟! تبلیغ برای ازدواج سفید و روابط نامشروع دختران و پسران، تبلیغ هدف دار برای آزادی‌های غیرقانونی و بدون محدودیت، تبلیغ و حمایت از پارتی‌های مختلط، تلاش برای گسترش بی حجابی در بین دختران ایرانی و ... آیا ناشی از دلسوزی برای تحکیم بنیان خانواده در ایران است؟!

بعلاوه، چطور این نگرانی برای خانواده‌های آمریکایی مطرح نمی‌شود و ما شاهد افزایش روزانه طلاق در این کشور هستیم به طوری که رتبه ایالات متحده در جدول مربوط به کشورهای دارای بیشترین آمار طلاق جهان، همواره جزو ۸ رتبه اول بوده است.

آمارها نشان می‌دهد که در بهترین حالت ممکن بیش از ۵۶ درصد ازدواج‌ها در آمریکا به طلاق می‌انجامد و این خود گویای همه واقعیت‌ها در جامعه این کشور است.

البته باید به این نکته هم توجه داشت که کارشناسان مختلف بر این باور هستند که فضای حاکم بر آمریکا و فرهنگی که در این کشور حکم فرم است، طلاق را بوده و خود به خود افراد را به سمت طلاق سوق می‌دهد و برخوردی نیز با این فرهنگ به طور جدی صورت نمی‌گیرد.

دروغ‌های رادیو فردا برای تخریب وضعیت اقتصادی ایران

یکی از موضوعاتی که می‌تواند مردم ایران را به آینده‌شان ناامید کرده و راه را برای نفوذ دشمنان بیگانه به کشور فراهم سازد، ناامیدی از آینده اقتصادی ایران اسلامی است که رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا در این هفته و در بخشی از برنامه هفتگی "ایستگاه پنجشنبه"، به آن پرداخته و در همین راستا به تخریب دروغین وضعیت اقتصادی کشورمان اقدام می‌کند.

"فرشید منافی" گوینده "ایستگاه پنجشنبه" در بخشی از این برنامه با استفاده از یک شایعه، به تخریب وضعیت اقتصادی ایران می‌پردازد و می‌گوید: «چند وقت پیش به خبری منتشر شد که شرکت داروگر که یکی از قدیمی‌ترین تولیدکننده‌های شامپو و صابون و این جور چیزهاست ورشکست شده و قراره کارخونه هاش تعطیل بشن. این خبر با واکنش‌های خیلی زیاد و بعضاً تند از سوی کاربران فضای مجازی همراه شد. یک عده به دلیل نوسالژی‌هایی که با شامپو تخم مرغی و صابون نخل داشتند آه

می‌کشیدن و افسوس می‌خوردن و یک عده هم بخاطر بیکار شدن کارگرا و شرایط بد اقتصادی که منجر به این تعطیلی شده فریاد سر داده بودن و این وسط صدای دلواپسا از همه بلندتر بود که این تعطیلی رو به چماق کرده بودن برای زدن دولت و می‌گفتن بفرما اینم از ثمرات برجام که بجای شکوفایی اقتصادی باعث فروپاشی اقتصادی شد و یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مجموعه‌های تولیدی کشور تعطیل شد. بعضی هام بودن که ذهنشون پیچیده تر از ما بود و دست‌های پشت پرده رو دیدن و گفتن اینا همه کلک انتخاباته و الان روحانی میاد چند میلیارد وام میده به اینا تا دوباره راه بیفته و با این کلک کلی رأی جمع می‌کنه.»

اما باید از سازندگان این برنامه پرسید که خبر تعطیلی این کارخانه چگونه و از چه منبعی به دست "فرشید منافی" و رادیو فردا رسیده است که این گونه مطمئن از آن سخن می‌گوید و آن را موضوع تمسخرهای خود علیه کشورمان قرار می‌دهد؟!

این برنامه در شرایطی به یک شایعه این گونه پر و بال می‌دهد که مسئولین امر در داخل ایران به شدت آن را تکذیب می‌کنند.

"محمدرضا مس فروش" رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران در این باره با رد قاطع هر گونه تعطیلی کارخانه داروگر، می‌گوید: "داروگر برند بزرگ و معتبری است و هیچ مشکلی در عرصه تولید ندارد. پس از انتشار این خبر با وجود اینکه از نزدیک به همه مسائل کارخانه‌های استان اشراف داریم باز برای اطمینان، بررسی‌های کاملی درباره کارخانه تولیدی داروگر انجام شد؛ زیرا وظیفه قانونی ما حمایت از تولید و اشتغال در کشور است. کارخانه بزرگ داروگر یکی از بهترین واحدهای تولیدی فعال کشور به شمار می‌رود که در سال گذشته افزایش تولید داشته است و به هیچ عنوان تعدیل، کاهش یا اخراج نیرو ندارد. داروگر روال عادی تولید خود را طی می‌کند و در فرصت تعطیلی‌های فروردین ماه برنامه بهسازی و نوسازی خود را سپری کرده تا بتواند با توان بیشتری در چرخه تولید محصولات مطلوب گام بردارد".

"بیژن اسماعیلی" مدیرعامل مجتمع تولیدی داروگر همچنین در این باره تأکید می‌کند: "هدف از انتشار این خبرها ایجاد فضای یاس و تردید در جامعه و مغایر با فرامین رهبر معظم انقلاب در سال «اقتصاد مقاومتی؛ تولید- اشتغال» است. رفتار صحیح آن بود که رسانه‌ها پیش از انتشار این خبر، درستی آن را از مدیران جویا می‌شدند. این گونه برخوردهای رسانه ای با توجه به سختی‌ها و تنگناهای بخش تولید، اندک رمق باقیمانده در کالبد صنعت را نیز از بین می‌برد. انتشار این خبر نه فقط جنبه حمایتی از کارگر را ندارد که سبب بی اعتمادی عمومی در سرمایه گذاری صنعتی شده و مشکلات را بیشتر می‌کند."

پافشاری رادیو فردا بر بیگناهی یک مجرم!

در دو هفته پیش و دو شماره قبل همین مجله هفتگی به دلسوزی‌های رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا در مورد یکی از مجرمین با سابقه امنیتی و سیاسی بازداشت شده در ایران پرداختیم و دیدیم که چگونه تلاش شد تا به شکل‌هایی مختلف واقعیت وارونه جلوه داده شده و این مجرم به یک مظلوم بی گناه تغییر شکل دهد.

در همین راستا، پس از دو هفته، این بار هم رادیو فردا باز به سراغ دفاع از همان مجرم بخصوص رفته و در قالب بخشی از برنامه "ایستگاه پنجشنبه" و با طرح موضوع انتخابات در ایران، تلاش کرده است تا دفاعیات و حمایت‌های خود از او را ابراز کند.

گوینده این برنامه با همین هدف، می‌گوید: «حتماً میدونید فصل انتخابات که همیشه برای مسئولین و علاقه مندان به خدمت بوی کباب به قدری بلند میشه که اینا به شکل عجیبی مست میشن و وارد یک ماه عسل سیاسی و انتخاباتی میشن. اما برای بعضی قشرها نزدیک شدن به زمان انتخابات جز دردسر و گرفتاری هیچ چیزی نداره. بخصوص که شما توی مملکتی بی در و پیکر زندگی کنی و هر کسی که از مادر گرامی قهر می‌کنه میتونه بیاد شما رو دستگیر کنه و برداره ببره. قشر روزنامه نگار توی ایران

یکی از همین قشرهاست. در حالی که اشاره کردیم همین روزها توی دنیای غرب روز بغل کردن آدم‌های خبری رو پشت سر گذاشتیم، نهادهای اطلاعاتی ایران که معلوم نیست سرشون کجاست و تنشون کجا، روزنامه نگارهایی مثل هنگامه شهیدی، احسان مازندرانی و مراد سققی و مدیرهای چنتا کانال تلگرامی سیاسی رو دستگیر و بازداشت کردن.

هنگامه شهیدی همین الان در اعتصاب غذا به سر میبره، حال خوشی هم نداره متأسفانه. هنگامه حتی وصیت نامه خودش رو هم به بازجوش داده و اعلام کرده اگر اتفاقی توی این مسیر افتاد، مسئول جوش قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و شخص آقای روحانی است. خیلی تلخ و دردناکه وقتی می‌بینی آدم‌هایی که جاشون توی تحریریه‌ها و فضاها فرهنگیه، سر از اتاق‌های مخوف بازجویی در می‌آورند.»

اول این که ظاهراً فرسید منافی خودش تجربه حضور در اتاق بازجویی را دارد که این گونه توصیفش می‌کند. بعلاوه، چطور به بهانه انتخابات، اینقدر راحت و بدون هیچ دلیل و سندی یک مجرم را بی گناه جلوه می‌دهد و مقابله با او را به جریان انتخابات متصل می‌کند؟!

درحالی بازداشت او در شرایط کنونی این گونه مورد انعکاس و بازتاب قرار گرفته است که باید بدانید این نخستین بار نبوده که به دلیل رفتارهای غیرقانونی محاکمه می‌شود.

پیش‌تر در سال ۱۳۸۸ و در جریان فتنه تلخ پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری با اتهاماتی نظیر اجتماعات غیرقانونی، تبانی به قصد برهم زدن امنیت، تبلیغ علیه نظام، اختلال در نظم عمومی و اهانت به ریاست جمهوری، بازداشت شد اما با کمک فتنه گرانی مانند مهدی کروبی، با وثیقه ای ۹۰ میلیون تومانی آزاد شد.

وی مشاور حوزه زنان مهدی کروبی، یکی از سران فتنه سال ۱۳۸۸ بود و نقشی بسزا در اغتشاشات و آشوب‌های پس از انتخابات بر عهده داشت.

این سوابق نشان می‌دهد که هنگامه شهیدی، فقط یک روزنامه نگار نبوده که به دلیل فعالیت‌های روزنامه نگاری و خبرنگاری بازداشت شود و از فضای فرهنگی تحریریه! به اتاق بازجویی منتقل شده باشد، بلکه او بارها دود و آتش و خاک فضاها اجتماعات و اغتشاشات ضد حکومتی را تجربه کرده است. او یک فعال سیاسی است که در سابقه فعالیتش همکاری با عناصر فریب خورده ای مانند مهدی کروبی را تجربه کرده و بازداشت او در شرایط کنونی نیز در راستای همان تجارب است و ربطی به روزنامه نگاری ندارد.

اما گویا رادیو فردا هم مانند اربابانش عادت کرده است تا با طرح عنوان روزنامه نگار برای مجرمینی که در ایران بازداشت می‌شوند، از آن‌ها بیگناهی بسازند که مورد ظلم جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند.

وقتی کارگران فقط بهانه‌اند!

یکی از موضوعاتی که همیشه به عنوان بهانه ای علیه وضعیت داخلی ایران مورد استفاده رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا قرار گرفته است، موضوعات مربوط به کارگران ایرانی است؛ جایی که این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید همواره تلاش کرده است تا خود را مدافع کارگران نشان داده و آن‌ها را در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار دهد.

در همین راستا، بارها شاهد این موضوع بوده‌ایم که رادیو فردا با طرح عنوان "کارگر" برای برخی از مجرمین که به دلیل بی قانونی در ایران بازداشت می‌شوند، سیاست‌های خود را دنبال کند اما این بار و در این هفته برخلاف بارهای قبل، آزادی دو مجرم که این عنوان را از رادیو فردا دریافت کرده‌اند، بهانه ای شد تا به وضعیت داخلی ایران حمله ور شود.

رادیو فردا در گزارش خود می‌نویسد: «گزارش‌ها از ایران حاکی از آزادی بهنام ابراهیم زاده و واله زمانی، دو فعال کارگری، از زندان است. در سال‌های اخیر، تشکل‌ها و فعالان کارگری تحت فشارهای امنیتی و قضایی قرار داشته‌اند. در این ارتباط، سازمان عفو بین الملل روز شنبه ۱۰ اردیبهشت در بیانیه ای اشاره کرد که شماری از فعالان صنفی از جمله محمود بهشتی لنگرودی، محمدرضا نیک‌نژاد و مهدی بهلولی، سه عضو سابق یا فعلی هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، محمود صالحی، عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری، داوود رضوی، ابراهیم مددی و رضا شهبابی، سه عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد، رئیس و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران با خطر زندانی شدن مواجه‌اند. به گفته این سازمان، "تمامی این افراد پس از محاکمه‌های به شدت ناعادلانه در دادگاه‌های انقلاب با اتهاماتی بی اساسی مانند اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، اخلاف در نظم عمومی و تشکیل گروه با هدف بر هم زدن امنیت کشور به زندان‌های طولانی مدت ۵ تا ۱۱ سال محکوم شده‌اند". برخوردهای امنیتی و قضایی با کارگران و فعالان کارگری در ایران در شرایطی ادامه دارد که جمهوری اسلامی ایران موافقت خود را با مقوله نامه‌های سازمان بین الملل کار در مورد آزادی تشکل یابی کارگران ابراز داشته است.»

اما سؤال این جاست که چرا در هر شرایطی رادیو فردا تلاش می‌کند تا خود را حامی کارگران ایرانی معرفی کند؟! آیا به راستی نگران وضعیت داخلی کشوران است یا دلش برای انسانیت و وضعیت این قشر می‌سوزد؟!

حضور میلیون‌ها کارگر در ایران اسلامی و فعالیت‌های روزانه آن‌ها با همه پستی و بلندی‌ها و مشکلاتی که در حوزه‌های مختلف وجود دارد، یک سمت این ماجراست که هیچ نقشی در این گونه گزارش‌های رسانه‌های ضد ایرانی ندارد و در مقابل آن چیزی که به عنوان کارگری مطرح می‌شود و به بهانه دفاع از حقوق کارگران بازتاب داده می‌شود، حمایت از گروهی است که عنوان کارگر را تنها برای پوشش دادن جرائم و رفتارهای غیرقانونی خود استفاده می‌کنند.

رسانه‌های ضد ایرانی با استفاده از امکانات خود و با بازتاب گزارش‌های مختلف سعی می‌کنند تا با طرح عنوان کارگر برای افرادی که هیچ گاه رنج و زحمت یک کارگر را درک نکرده‌اند، از آن‌ها قهرمانانی بسازند که نظام جمهوری اسلامی با ظلم و ستم بسیار، به آن‌ها فشار می‌آورد و وضعیتی غیر قابل تحمل را برایشان ایجاد کرده است.

و نکته دیگر هم در رفتار دوگانه رادیو فردا در قبال موضوع کارگران در ایران و غرب ایجاد می‌شود؛ جایی که بازداشت هر مجرمی با استفاده از نام کارگر برای او یک ظلم محسوب می‌شود، اما برخورد خشن پلیس آمریکا در قبال تجمعات اعتراضی کارگران آمریکایی هیچ گاه پوشش داده نمی‌شود!

اعتصاب‌ها و اعتراض‌های گسترده کارگری در ایالت‌های مختلف آمریکا چرا حتی یک بار توسط رادیو فردا مورد بازتاب قرار نمی‌گیرد اما حتی آزادی دو مجرم با ادعای کارگر بودن از زندان در ایران بهانه ای برای حمله به نظام جمهوری اسلامی می‌شود؟!

آیا ظلم با ظلم و تبعیض با تبعیض فرق می‌کند یا خون این مجرمین کارگر نما از میلیون‌ها کارگر آمریکایی که مورد خشونت آشکار قرار می‌گیرند، رنگین تر است؟!

چطور دلسوزی برای مجرمین در ایران اینقدر جدی دنبال می‌شود اما وضعیت اسف بار کارگران مهاجر در آمریکا نادیده گرفته می‌شود؟!

بهره برداری رادیو فردا از پرونده قتل مدیر جم!

یکی دیگر از اتفاقاتی که در این هفته به صدر اخبار و گزارشات رسانه‌های مختلفی از جمله رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا تبدیل شد، موضوع قتل مدیر ایرانی شبکه‌های "جم" در ترکیه بود.

رادیو فردا در پی پیگیری اخبار مربوط به این قتل با انتشار گزارشی با خبر دادن از پیگیری پرونده قتل مدیر شبکه "جم" توسط وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است تا در کنار این خبر، از سوابق این عنصر منافقین دفاع کند.

این رسانه فارسی زبان وابسته به دولت آمریکا در گزارش خود ضمن تمجید از مدیر شبکه‌های "جم" و سوابقش، عنوان می‌کند: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه اعلام کرد که در حال بررسی پرونده قتل سعید کریمیان، مدیر گروه تلویزیونی جم، در استانبول از مجاری دیپلماتیک است. به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، روز دوشنبه، ۱۱ اردیبهشت، گفت از ترکیه خواسته شده تا نتیجه تحقیقات درباره این پرونده هر چه سریع‌تر در اختیار تهران قرار گیرد. یک روز پس از کشته شدن سعید کریمیان، مدیر شبکه تلویزیونی جم تی‌وی، در شهر استانبول، رسانه‌های ترکیه روز یکشنبه جزئیاتی از این سوء قصد منتشر کردند. به نوشته روزنامه حریت، خودروی حامل سعید کریمیان و همراه کویتی‌اش شامگاه شنبه در منطقه "ساری‌پر" استانبول، در بخش اروپایی این شهر، توسط افراد ناشناس به گلوله بسته شد و در پی آن هر دو سرنشین جان باختند. از سوی دیگر، شماری از رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران در ایران با انتشار تصویری از سعید کریمیان در کنار مریم رجوی، او را به همکاری تلویزیونی با سازمان مجاهدین خلق متهم کردند. با این حال این سازمان در بیانیه‌ای ضمن با انتشار عکس اصلی اعلام کرد که رسانه‌های جمهوری اسلامی عکس آقای کریمیان را "بر روی تصویری از یک سناتور بلژیکی در کنار خانم رجوی جایگزین کرده‌اند". سازمان مجاهدین خلق به نوبه خود سوء قصد به سعید کریمیان را به مأموران جمهوری اسلامی نسبت داد، اما هیچ گونه مدرک یا شواهدی در اثبات این ادعا ارائه نکرد. سعید کریمیان ۴۵ سال داشت و یکی از فعالان هنری و رسانه‌ای خارج از کشور به شمار می‌رفت که در بهمن ماه گذشته به صورت غیابی در دادگاه انقلاب تهران محاکمه و به تحمل شش سال حبس به اتهام "تبلیغ علیه نظام" محکوم شد. گروه شبکه‌های تلویزیونی جم بیش از ۵۰ شبکه تلویزیونی را شامل می‌شود که بیشتر آن‌ها به زبان فارسی است، ولی برخی از آن‌ها هم برنامه‌هایی به زبان‌های کردی، ترکی و عربی پخش می‌کنند. این شبکه‌ها از حدود ۱۰ سال پیش و از طریق ماهواره فعالیت خود را آغاز کردند.»

سعید کریمیان مدیر شبکه جم تی‌وی در استانبول به ضرب ۲۷ گلوله توسط افرادی ناشناس کشته شد.

اما آیا همه واقعیت‌ها در خصوص این فرد، دوران زندگی و همچنین مرگش به همین راحتی خلاصه می‌شود؟!

سعید کریمیان از عناصر منافقی است که سال‌ها ارتباطات نزدیک و همکاری‌هایش با سازمان تروریستی مجاهدین خلق آشکار و گویای سوابق اوست.

همکاری‌های صمیمانه‌اش با عربستان سعودی نیز چه قبل از راه اندازی شبکه جم و چه بعد از آن غیر قابل انکار بوده است.

شهردار منطقه ساری‌پر استانبول، که شب گذشته قتل سعید کریمیان مدیر مجموعه شبکه‌های تلویزیونی جم در آنجا اتفاق افتاد، به رسانه‌های محلی گفته است که شواهد اولیه پلیس نشان می‌دهد که قتل وی به دلیل اختلافات و با انگیزه‌های مالی صورت گرفته است.

افرادی ناشناس با سد کردن مسیر اتومبیل سعید کریمیان در بخش اروپایی استانبول وی و یک سرنشین دیگر این خودرو را به ضرب گلوله کشتند. گفته می‌شود که نفر دوم یک تاجر کویتی بوده است.

کنسول کویت در استانبول تأیید کرده است که همراه کریمیان، محمد متعب شلاحی، یک تاجر کویتی بوده است. آنطور که کنسولگری کویت گفته، سه گلوله به شکم محمد متعب شلاحی اصابت کرده و او در بیمارستان درگذشته است، اما به سعید کریمیان ۲۷ گلوله اصابت کرده و در محل حمله کشته شده است.

پیش از این بسیاری از کارمندان و مجریان این شبکه علیه سعید کریمیان به دلیل مسائل مالی و فساد اخلاقی وی افشاگری کرده بودند.

پدر کریمیان از اعضای فعال سازمان مجاهدین خلق بود که در جریان عملیات مرصاد کشته شد و پس از آن سعید کریمیان و خانواده‌اش ۸ سال در پادگان اشرف زندگی کردند و با توجه به رابطه ایجاد شده میان آن‌ها و سران رده بالای منافقین، وی با شنسنشوی مغزی برای فعالیت در راستای اهداف ضد ایرانی آن‌ها آماده شد.

وی پس از فعالیت رسانه ای در مالزی، آمریکا و انگلیس که همگی ضد ایرانی بودند، گروه تلویزیونی جم را با هدف فعالیت‌های رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران بنیانگذاری کرد.

در خصوص دلیل قتل او نیز که گروهی تلاش می‌کنند تا نظام جمهوری اسلامی را مقصر نشان دهند، اسناد به دست آمده که شهردار استانبول هم بران اذعان داشته است، نشان می‌دهد که فساد مالی سعید کریمیان که در کنار فساد اخلاقی از مؤلفه‌های اصلی شخصیتی او محسوب می‌شود و نزدیکانش از جمله کارکنان مجموعه جم بارها به افشای آن پرداخته‌اند، دلیل این قتل بوده است.

کودکائی که گاه قربانی و گاه بهانه‌اند!

تحولات عراق یکی از مهم‌ترین رویدادهای خبری این روزهای منطقه و البته جهان است؛ جایی که تروریست‌ها خون مردم بی‌گناه را در شیشه کرده اما این روزها با موفقیت‌های چشم‌گیر نیروهای نظامی و مردمی عراق، نفس‌های آخرشان را می‌کشند.

رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا بارها تلاش کرده است تا در کنار حمایت از سیاست‌های غرب در تقویت تروریست‌ها، در ظاهر آن‌ها را بی طرف و حامی صلح نشان دهد و بخصوص هرچه شکست‌های آن‌ها در موصل بیشتر می‌شود، این تلاش‌های رسانه ای برای نشان دادن غرب در مقابل تروریست‌ها و در کنار مردم عراق هم شدت می‌گیرد.

در همین راستا، این هفته، رادیو فردا با انتشار گزارشی تصویری به بررسی وضعیت کودکان موصل در بیمارستان این شهر پرداخته است و در حالی که تا چند وقت پیش در مقابل قربانی شدن آن‌ها در جنگال تروریست‌ها سکوت کرده بود، این بار از وضعیت نامناسب درمان آن‌ها در بیمارستان ابراز نگرانی می‌کند.

"ایلیا جزایری"، گزارشگر رادیو فردا در توضیح این گزارش تصویری می‌گوید: «تعداد کودکان بیمار در موصل از تعداد تخت‌های بیمارستان بیشتر است. بسیاری از بیمارستان‌های موصل در جنگ میان نیروهای عراقی و شبه‌نظامیان گروه حکومت اسلامی، منهدم یا تخریب شده‌اند. بیمارستان‌هایی هم که بخش‌هایی قابل استفاده دارند، از کمبود امکانات از جمله تخت و دارو، رنج می‌برد. بیمارستان کودکان "ابن الاثیر" موصل، یکی از این بیمارستان‌ها است. تعداد کودکان بیمار از تعداد تخت‌های بیمارستان بیشتر است از همین رو گاهی دو کودک بر روی یک تخت بستری می‌شوند. گاهی هم حتی نصف یک تخت پیدا نمی‌شود و کودک بیمار مجبور می‌شود که روی صندلی بخوابد و مادران عراقی شکوه می‌کنند.»

اما چرا رادیو فردا مخاطبین خودش را این قدر ساده می‌پندارد که انتظار دارد با چنین گزارش‌هایی بی طرفی و انسان دوستی این مجموعه را بپذیرند؟!

چطور وقتی کودکان موصل یک به یک و حتی در گروه‌های ده‌ها نفری، قربانی وحشی‌گری‌های تروریست‌هایی می‌شدند که تحت حمایت‌های همه جانبه اربابان رادیو فردا قرار دارند، این به اصطلاح رسانه فقط سکوت پیشه کرد؟!

چگونه وقتی حتی همین امکانات کم درمانی و بیمارستان محدود موصل توسط تروریست‌های مورد حمایت غرب هدف حمله قرار می‌گرفت و ویران می‌شد، رادیو فردا دلسوزی‌اش برای بیماران و مردم این منطقه بروز نمی‌کرد و حرفی در اعتراض به این حملات نمی‌زد؟!

مگر کودکانی که امروز در همین بیمارستان موصل بجای تخت بر روی صندلی مداوا می‌شوند، همان کودکانی نیستند که تا چند وقت پیش در اسارت تروریست‌های داعشی گرفتار بودند و انتظار این را می‌کشیدند که مانند دیگر همبازیانشان زمان اعدامشان فرا برسد؟!

آیا کمبود دارو در بیمارستان موصل، کمبود تخت و دیگر امکانات درمانی، کمبود پزشک و پرستار و ... هیچ ربطی به فعالیت تروریست‌هایی ندارد که آمریکا و متحدانش آن‌ها را ایجاد، تقویت و هدایت می‌کنند؟!

آیا اصلاً اگر این تروریست‌ها نبودند و جنایاتشان به این حد فراگیر و وحشیانه نبود، این حجم و تعداد بالای کودکان مصدوم و نیازمند به درمان را در موصل مشاهده می‌کردیم که اکنون تخت درمانی برای آن‌ها کم بیاید؟!

تکرار بهانه‌های تکراری در رادیو فردا

در چندین شماره قبل این مجله هفتگی به کمبود بهانه‌ای که رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا در فضا سازی علیه جمهوری اسلامی ایران بخصوص در حوزه حقوق بشر با آن مواجه شده است پرداختیم اما این هفته بار دیگر فعالیت‌های این رسانه فارسی زبان اثبات کننده بحرانی عمیقی است که در این حوزه با آن مواجه است.

هفته گذشته به بررسی موضوعی پرداختیم که رادیو فردا از طریق برنامه حقوق بشری "دریچه" در مورد وضعیت اعدام در ایران مطرح کرده بود اما این هفته نیز، "دریچه" در تکراری غیر قابل انکار و بدون توجیه، باز هم به سراغ موضوع "اعدام" رفته و سعی کرده است تا با استفاده از تکرار این بهانه تکراری، نظام جمهوری اسلامی را در حوزه حقوق بشر محکوم کند.

"مهتاب وحیدی راد" مجری دریچه در این خصوص می‌گوید: «ایران بار دیگر پس از چین در صدر فهرست کشورهای با بیشترین تعداد اعدام‌ها در جهان قرار گرفت. در گزارش سالانه عفو بین الملل که روز سه شنبه منتشر شد، چین، ایران، عربستان، عراق و پاکستان، پنج کشور اول جهان از نظر آمار بالای اعدام معرفی شدند. بر اساس این گزارش در سال گذشته میلادی به جز اعدام‌های در چین، یک هزار و سی و دو تن در جهان اعدام شدند که ۵۵ درصد این تعداد در ایران بوده است. تعداد اعدام‌ها در چین مشخص نیست، زیرا این کشور شمار اعدام‌های خود را اعلام نمی‌کند. اما پس از چین، ایران مانند سال‌های گذشته در رتبه دوم قرار گرفت. در سال ۲۰۱۶ میلادی دست کم ۵۶۷ نفر در ایران اعدام شدند که این تعداد نیمی از تعداد کل اعدام‌های ثبت شده در سراسر جهان و سه و نیم برابر تعداد اعدام‌ها در عربستان سعودی است.»

جالب است بدانید که بر اساس اذعان مجری و میهمان خود این برنامه تنها ۹۶ مورد از تعداد ۵۶۷ اعدامی که در خصوص کشورمان ادعا می‌شود، تأیید شده هستند و مابقی بر اساس گزارش‌های غیر رسمی و نامعتبر جمع آوری شده‌اند که این خود اثباتی بر تنها بهانه بودن این موضوع برای تداوم سیاه‌نمایی علیه جمهوری اسلامی است.

کمبود بهانه به قدری برای رادیو فردا و امثال این رسانه ضد ایرانی محسوس و شدید شده است که هر روز می‌توان تعداد مشخص و ثابتی از موضوعاتی را مشاهده کرد که در فعالیت‌های آن‌ها علیه کشورمان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

این رسانه‌های غربی در شرایطی تلاش می‌کنند تا با طرح موضوع اعدام برخی مجرمین در ایران خود را حامی حقوق بشر معرفی کنند که یادشان می‌رود حقوق بشر قط به چند مجرم اختصاص نداشته و سایر ساکنین جهان نیز جزو بشر محسوب می‌شوند.

سکوت‌های معنادار این مجموعه در قبال مردمی که هر روز در نقاط مختلف این جهان قربانی سیاست‌های استعماری ایالات متحده آمریکا و دوستان نزدیکش می‌شوند، بوجی نگاه امثال رادیو فردا به موضوع حقوق بشر را برملا می‌کند.

اعدام ۹۶ مجرم با جرم مشخص در ایران بر اساس قوانین اسلامی، ثابت و رسمی در یک سرزمین این گونه بازتاب خبری داده می‌شود اما مرگ هزاران بیگناه در یمن، سوریه، افغانستان و ... از هیچ اهمیتی برای این گونه ابزارهای رسانه‌ای غربی برخوردار نیست و این همان واقعیتی است که رادیو فردا نمی‌تواند با برنامه‌سازی آن را پنهان نگاه دارد.

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و چهل و هفتمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در دومین هفته از اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ (۰۸ الی ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶) پرداخته است.